«شرق» تأثیر سفر احتمالی پادشاه عمان به ایران را بر آینده احیای برجام بررسی می‌کند

مسقط؛ میانجی یا پیغام‌رسان؟

عکس: Reuters

عبدالرحمن فتح‌الهی: اخبار تأییدنشده‌ای از احتمال سفر امروز چهارشنبه هیثم بن‌طارق آل‌سعید، پادشاه عمان به ایران خبر داد. البته قبل‌تر هم قیس بن‌محمد الیوسف، وزیر صنعت، تجارت و توسعه سرمایه‌گذاری عمان، روز یکشنبه هفته جاری در دیدارش با محمد مخبر، معاون اول رئیس‌جمهور بدون ذکر تاریخ دقیق از احتمال سفر قریب‌الوقوع پادشاه عمان به ایران خبر داده بود.

علی علیزاده، عضو کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس یازدهم نیز دوم اسفند ۱۴۰۱ ادعایی دال بر سفر قریب‌الوقوع پادشاه عمان با «خبرهایی خوش» را مطرح کرده بود، اما تاکنون این سفر انجام نشده است. اما دیروز (سه‌شنبه) در حالی خبر سفر سلطان عمان به تهران مطرح شد که شنبه هفته جاری شاهد حضور جیک سالیوان در عربستان سعودی بودیم؛ سفری که در یک گزاره تحلیلی می‌تواند به تشدید تحرکات دیپلماتیک میانجیگرایانه مسقط منجر شود.

به‌خصوص که جیک سالیوان، مشاور امنیت ملی جو بایدن پنجشنبه گذشته در اظهاراتی صراحتا اعلام کرد که «ایالات متحده به دنبال یک توافق درازمدت با ایران است». البته سالیوان گفته بود که در بحث برنامه هسته‌ای، ما همچنان با ایران به‌صورت دیپلماتیک تعامل می‌کنیم. ما برای ایران روشن کرده‌ایم که هرگز اجازه دستیابی سلاح هسته‌ای را پیدا نمی‌کند. مشاور امنیت ملی جو بایدن که در اندیشکده واشنگتن برای سیاست خاور نزدیک صحبت می‌کرد، اذعان کرد که همچنان بهترین راه برای جلوگیری از دستیابی ایران به سلاح هسته‌ای، توافق مؤثری است که تهران را از دستیابی به سلاح هسته‌ای بازدارد.

عمان می‌تواند راهگشا باشد؟

در صورتی که شاهد حضور هیثم بن‌طارق آل‌سعید در تهران باشیم، چه معنایی خواهد داشت؟ آیا باید سفر اخیر حسین امیرعبداللهیان به مسقط و رفت‌وآمدهای مقامات و حضور احتمالی پادشاه این کشور را خوش‌یمن تلقی کنیم و آن را بستر و فضایی جدید در جهت احیای برجام بدانیم؟ این سفر به موازات حضور جیک سالیوان، مشاور امنیت ملی کاخ سفید در خاورمیانه چه معنایی می‌دهد؟ آیا مسقط به دنبال میانجیگری بین تهران و واشنگتن برای احیای برجام، آزادی زندانیان دوتابعیتی یا موضوعات دیگر است؟ اساسا حضور هیثم بن‌طارق آل‌سعید چقدر می‌تواند راهگشا باشد؟

داوود مرشدی در گفت‌وگویی که با «شرق» داشت، اعتقاد دارد اگر امروز (چهارشنبه) یا در روزهای پیش‌رو شاهد سفر پادشاه عمان به ایران باشیم، باید آن را «فرصت مذاکراتی» در نظر گرفت. البته این کارشناس ذکر چند نکته مهم را در تبیین هرچه دقیق‌تر «آخرین فرصت مذاکراتی» ضروری می‌داند؛ چراکه او تأکید می‌کند با توجه به تحولات جاری و از دریچه اتفاقات چند ماه گذشته، دیگر «فرصت» لزوما به معنای بستر مجدد برای احیای برجام نخواهد بود. از طرف دیگر مرشدی، «فرصت» را به‌مثابه ایجاد شرایط برای کاهش شرایط نامساعد هم ارزیابی نمی‌کند، بلکه به باور این کارشناس، مسقط اکنون صرفا با این هدف به ایران سفر می‌کند که اولتیماتوم واشنگتن را درباره پذیرش برجام جدید با شرایط جدید به ایران منتقل کند. محسن راوندی هم در راستای آنچه داوود مرشدی عنوان کرد، در گفت‌وگویش با «شرق» معتقد است که اساسا عمانی‌ها ظرفیت و پتانسیل میانجیگری را در تنش تهران - واشنگتن با محوریت پرونده هسته‌ای ندارند، بلکه صرفا به دنباله نقل و انتقال پیام بوده و اصطلاحا در قالب «پیغام‌رسان» بین ایران و ایالات متحده آمریکا عمل می‌کنند. به همین دلیل این کارشناس هم در ارزیابی مشابهی متذکر می‌شود که اگر پادشاه عمان، چه امروز (چهارشنبه) و چه هر روز دیگری به ایران سفر کند به احتمال بسیار زیاد بسته‌ای از پیام‌های ایالات متحده آمریکا را به ایران انتقال خواهد داد که لزوما برای احیای برجام نخواهد بود، بلکه ترسیم مسیر جدید برای جلوگیری از تصاعد تنش و بحران است.

در فراز جدید تحلیلی، راوندی از نقش کشورهای عربی در ترسیم توافق جدید پرده برمی‌دارد و به نوشته مشترک ولی نصر و علی واعظ در نشریه فارین‌افزر (Foreign Affairs) استناد می‌کند. علی واعظ (استادیار دانشگاه جورج تاون و مدیر برنامه ایران در گروه بین‌المللی بحران) و ولی نصر (مشاور ارشد اسبق فرستاده ویژه آمریکا در امور افغانستان و پاکستان) در مقاله مشترکی عنوان کردند «اگر ایالات متحده و اروپا نمی‌خواهند ایران به یک کشور دارای سلاح هسته‌ای تبدیل شود و اگر نمی‌خواهند جنگی را برای عقب‌انداختن برنامه هسته‌ای ایران به راه بیندازند، به یک رویکرد دیپلماتیک جدید نیاز دارند».

این دو کارشناس (نصر و واعظ) در ادامه نوشته خود به موضوع بهبود مناسبات منطقه‌ای ایران در سایه احیای روابط با عربستان گریزی می‌زنند و اعتقاد دارند که «خوشبختانه، رویدادهای اخیر در خاورمیانه فرصتی برای این رویکرد جدید ایجاد کرده است. توافق ایران و آمریکا ممکن است امکان‌پذیر نباشد، اما از آنجایی که پادشاهی‌های عرب حاشیه خلیج‌فارس روابط بهتری با تهران برقرار می‌کنند، آنچه زمانی غیرممکن بود، اکنون چنین توافقی، کاملا قابل تصور است. برخلاف برجام، چنین توافقی مورد موافقت کشورهای همسایه ایران نیز قرار خواهد گرفت و بنابراین توافقی پایدارتر خواهد بود».

به زعم نصر و واعظ، «این توافق به ایران آرامش اقتصادی معنادارتر و پایدارتری می‌دهد. این توافق می‌تواند به‌طور دائم، نه به‌طور موقت، برنامه هسته‌ای ایران را کنترل کند و ممکن است حمایت تهران از گروه‌های نیابتی‌اش در منطقه را کاهش دهد. با انجام این کار، چنین توافقی می‌تواند ثبات بیشتری را برای بخشی از جهان که به‌شدت نیازمند ثبات است، به ارمغان بیاورد». از این‌رو محسن راوندی هم در ادامه گپ‌وگفتش با «شرق»، افزایش تحرکات دیپلماتیک کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس از عربستان سعودی گرفته تا عمان، قطر و... را سناریوی پررنگ‌تر می‌داند تا آمریکایی‌ها از ظرفیت کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس در تنظیم و ترسیم توافق جدید با ایران استفاده کنند.

پای توافق موقت در میان است؟

در مقابل گفته‌های راوندی و مرشدی، محمدرضا سالک با عینک خوش‌بینانه‌تری سفر احتمالی پادشاه عمان را بررسی می‌کند و به «شرق» می‌گوید که شاید یکی از دستورکارهای سفر هیثم بن‌طارق آل‌سعید، سلطان عمان، اتمام پروژه انتقال زندانیان باشد؛ چراکه کارشناس حوزه بین‌الملل این گزینه را جدی می‌داند که شاید پادشاه عمان در سفرش به تهران پروژه توافق بر سر تبادل زندانیان را اجرائی کند.

در کنار تلاش عمان برای آزادی زندانیان دوتابعیتی، مفسر سیاست خارجی به موضوع مهم‌تر یعنی احتمال نقش‌آفرینی مسقط در تصویب و تثبیت «توافق موقت» بین تهران و واشنگتن می‌پردازد و در این رابطه به «شرق» می‌گوید: «به موازات پیگیری تبادل زندانیان دوتابعیتی، بحث توافق موقت نیز از سوی رسانه‌های آمریکایی بسیار مورد توجه است و در هفته‌های اخیر اندیشکده‌های آمریکایی چند بار از لزوم انجام توافق موقت برای لغو تحریم فروش نفت ایران به اروپا و آسیا در قبال محدودکردن فعالیت هسته‌ای سخن گفته‌اند».

با این حال داوود مرشدی چیزی به نام «توافق موقت» را نزدیک به واقعیت نمی‌داند؛ چراکه او اذعان دارد از یک سو تهران حاضر به پذیرش توافق موقت نیست و از سوی دیگر اساسا آمریکا هم در شرایط کنونی به دنبال انجام توافق موقت با ایران نخواهد بود.

در تبیین بیشتر این گزاره، تحلیلگر حوزه بین‌الملل به «شرق» می‌گوید: «در یک سناریوی خوش‌بینانه اگر با وساطت مسقط، حتی مذاکرات از سر گرفته شود، بعید است که بتوان برجام را احیا کرد؛ چراکه به نظر غرب برنامه هسته‌ای ایران آن‌قدر پیشرفت کره است که نمی‌توان آن را با توافق برجام سال ۲۰۱۵ مهار کرد و فضای سیاسی در غرب برای مذاکرات معنادار، مساعد نیست». از دیگر سو این کارشناس یادآور می‌شود که وقایع اخیر و واکنش تند غرب به تهران، اشتیاق را در واشنگتن و پایتخت‌های اروپایی برای لغو تحریم‌ها علیه ایران به‌عنوان بخشی ضروری از یک توافق از بین برده است.

اما سالک ادعای مرشدی را ذیل افزایش نگرانی غرب نسبت به پرونده فعالیت‌های هسته‌ای ایران زیر سؤال می‌برد و یادآور می‌شود که اوج‌گیری شرایط نامساعد اقتصادی در ایران و همچنین تشدید نگرانی غربی‌ها در قبال پرونده فعالیت‌های هسته‌ای، هم تهران و هم واشنگتن را به این نتیجه رسانده است که راه‌حل فوری و موقتی برای خروج از بحران، «انجام توافقی موقت بر مبنای تعهدات کم در برابر کم است». از این‌رو محمدرضا سالک به سفر جیک سالیوان اشاره می‌کند و اعتقاد دارد که مشاور امنیت ملی دولت بایدن شاید در همین راستا بسته‌ای از پیشنهادها را به طرف عمانی برای گفت‌وگو با ایران منتقل کرده باشد. البته داوود مرشدی بخشی از گفته‌های محمدرضا سالک را می‌پذیرد و اعتقاد دارد که سفر جیک سالیوان به منطقه با حضور احتمالی سلطان عمان در تهران ارتباط داشته باشد؛ اما به باور مرشدی قطعا مشاور امنیت ملی بایدن بسته‌ای از پیشنهادها برای ازسرگیری مذاکرات برجامی ندارد، بلکه احتمالا این پیشنهادها درباره آزادی زندانیان دوتابعیتی و نحوه دسترسی ایران به اموال بلوکه‌شده در برخی از کشورهای منطقه و فرامنطقه خواهد بود. این کارشناس به افزایش فشار برخی از خانواده‌های زندانیان دوتابعیتی در روزها و هفته‌های اخیر علیه کاخ سفید اشاره می‌کند و متذکر می‌شود که در سایه همین فشارها شاید دولت بایدن به دنبال امتیازگیری و برگ برنده انتخاباتی است.

در ادامه، مرشدی احتمال دسترسی ایران به اموال بلوکه‌شده، حتی به صورت غیرمستقیم را هم یک مُسکن برای دولت رئیسی می‌داند و به همین دلیل احتمالا تهران هم با آزادی زندانیان دوتابعیتی از طریق عمان موافقت کند؛ اما این کارشناس برای چندمین بار تأکید می‌کند احتمالا چیزی به نام احیای برجام وجود ندارد؛ چراکه از نگاه او برجام دیگر اعتبار ندارد؛ همان‌گونه که مرشدی به اعتراف حمید ابوطالبی دراین‌باره هم اشاره دارد.

در راستای تأکید مفسر حوزه سیاست خارجی، حمید ابوطالبی هم ۱۲ اردیبهشت با انتشار رشته‌توییتی با عنوان «تحقق‌ناپذیری تکنیکال برجام» نوشت که «برجام دیگر یک واقعیت تام نیست». مشاور سیاسی حسن روحانی، رئیس‌جمهوری سابق، در این رشته‌توییت نوشت: «سؤال بزرگ فراروی برجام -برای همه- این است که آیا به لحاظ تکنیکی، برجام قابلیت اجرا یا حتی بازبینی زمانی را دارد یا آنکه باید به آن بدرود گفت و برجام را برای همیشه به تاریخ سپرد؟ آیا برجام صرفا «امیدی باقی‌مانده» است یا آنکه هنوز یک واقعیت تام است؟ چراکه برجام که برای موافقان دیپلماسی در عرصه جهانی صورت پاندورا به معنای (تمامی نعمت‌ها) را به خود گرفته بود، پس از گشوده‌شدن جعبه آن، صرفا مصیبت‌هایش بود که پراکنده شد؛ و اکنون، «امیدِ باقی‌مانده در جعبه» هم رنگ باخته و برجام دیگر یک واقعیت تام نیست!».

ابوطالبی در ادامه این رشته‌توییت می‌نویسد: «بازگشت به برجام یا ایجاد تغییرات در آن به لحاظ تکنیکی دیگر ممکن نیست؛ چون:

۱) پس از حمله روسیه به اوکراین و تحولات تایوان، منافع جدید روسیه و چین دیگر با غرب در یک راستا نبوده و معادلات قدرت ۱+۵ و همکاری‌های استراتژیک آنان به هم خورده است؛ از این‌رو مکانیسم ۱+۵ ناکارآمد شده است.

۲) به لحاظ تکنیکی، برای غرب، بازگشت به برجام یعنی پذیرش انقضای تحریم‌های موشکی در اواخر مهرماه امسال و انقضای تحریم‌های هسته‌ای در معنای ضرورت کمک به توسعه فعالیت‌های هسته‌ای ایران با خاتمه قطع‌نامه ۲۲۳۱ در سال ۲۰۲۵؛ آنچه قطعا به نفع روسیه و چین در افق همکاری‌های تجاری و نظامی است.

۳) بازگرداندن توانایی و تجربه هسته‌ای ایران به زمان امضای برجام، به لحاظ تکنیکی ناممکن است؛ زیرا تحولات بسیاری، از وقفه در نظارت آژانس تا پیداشدن ذرات اورانیوم غنی‌شده با خلوص «۸۳.۷ درصد»، ابهامات سه سایت هسته‌ای ظاهرا اعلام‌نشده و... رخ داده و ایران از بسیاری از نقاط حساس عبور کرده است.

۴) ایران هم بر سر دوراهی است؛ چراکه بازگشت به برجام اگرچه در شرایط فعلی به سود کشور است، ولی معنای آن عدول از همه شعارهای انتخاباتی است؛ پس باید تغییراتی، حتی صوری، شکل بگیرد تا بشود آن را به‌عنوان تحول استراتژیک جلوه‌گر کرد! به نوعی همان «توافق موقت» غرب؛ که البته پذیرفته نشده است.

۵) به‌علاوه و به لحاظ تکنیکی، توافق موقت -هرچه باشد- به معنای تعیین تکلیف انقضاهای زمانی برجام نیست؛ نبود زمان، تحولات داخلی ایران و ورود ایران و آمریکا به عرصه انتخابات هم امکان ریسک سیاسی برای توافق را از میان برده است؛ بنابراین غرب از مکانیسم ماشه برای بازگشت به فصل هفت بهره خواهد گرفت.

بنابراین در وضعیت جدید و نقش روسیه و چین، بازگشت غرب به برجام ناممکن خواهد بود؛ برجام به لحاظ تکنیکی و زمانی قابلیت دوام ندارد؛ امید باقی‌مانده در جعبه پاندورا از بین رفته است و این هم که آمریکا دیپلماسی را تنها راه‌حل مسئله هسته‌ای می‌داند، چیزی جز مذاکره «مستقیم و جامع» با ایران نیست».

در سایه این رشته‌توییت‌های حمید ابوطالبی، داوود مرشدی هم اعتقاد دارد برجام سال ۲۰۱۵ دیگر مبنای هیچ‌گونه تحرک دیپلماتیکی از سوی ایالات متحده آمریکا و همچنین اروپایی‌ها در قبال ایران نخواهد بود. به همین دلیل مفسر حوزه بین‌الملل تأکید دارد که سفر احتمالی پادشاه عمان به تهران با دستور کار رسیدگی به پرونده فعالیت‌های هسته‌ای ایران و موضوعاتی مانند توان دفاعی و نفوذ منطقه‌ای ایران خواهد بود.

با این خوانش، مرشدی هرگونه مذاکره چه از کانال عمان یا هر کشور دیگری را به معنای مذاکرات جدید و جامع‌تر با ایران می‌داند. البته این کارشناس در تضاد با بخشی از گفته‌های مشاور رئیس‌جمهور سابق ایران اعتقاد دارد که «آمریکا لزوما در این شرایط به دنبال مذاکره مستقیم با ایران نیست؛ چراکه با توجه به تحولات اخیر در ایران و افزایش فشارها به دولت بایدن، اکنون کاخ سفید تمایلی به مذاکرات مستقیم ندارد؛ اما مرشدی این احتمال را می‌دهد که مذاکرات پشت پرده‌ای برای توافق جدید با هدف دستیابی بایدن به برگ برنده مهم انتخاباتی در دستور کار واشنگتن باشد.

آخرین وضعیت سیاست خارجی، ۵ سال پس از خروج آمریکا از برجام

تقصیر ترامپ بود؟

۱۸ اردیبهشت مقارن با تاریخ شمسی، پنجمین سالگرد خروج ایالات متحده از برجام بود. همه‌چیز بیش از ۱۱ دقیقه طول نکشید؛ ۱۱ دقیقه نطق دونالد ترامپ برای خروج آمریکا از توافق هسته‌ای و بازگشت تحریم‌ها. این اقدام رئیس‌جمهور سابق ایالات متحده سلسله تحولاتی را در عرصه دیپلماتیک آمریکا، جمهوری اسلامی ایران و همچنین اعضای ۱+۴ شکل داد که دامنه آن بر مناسبات منطقه‌ای و جهان اثرگذار بود و کماکان هم شاهد تداوم این آثار هستیم. پس از انفعال، خودداری و اصطلاحا «صبر استراتژیک یک‌ساله»، ایران هم در ۱۸ اردیبهشت ۱۳۹۸ در پنج گام، کاهش تعهدات هسته‌ای را اجرائی کرد. البته با روی‌کارآمدن جو بایدن این امید به وجود آمد که مذاکرات نهایتا باعث احیای دوباره توافق هسته‌ای سال ۲۰۱۵ شود اما تعلل‌های دولت فعلی آمریکا و همچنین شکل‌گیری موانعی در مسیر مذاکرات برای دولت حسن روحانی موجب شد که ادامه گفت‌وگوهای هسته‌ای به رئیسی سپرده شود. دولت سیزدهم نیز بعد از تأخیری چندماهه، مذاکرات با دولت بایدن را آغاز کرد. در این مذاکرات چندین بار فرصت احیای برجام به دست آمد که به دلایل مختلف هیچ‌گاه عملیاتی نشد.

اکنون به گفته کارشناسان و ناظران، وضعیت مذاکرات هسته‌ای به نقطه‌ای از بحران رسیده که بدتر از دوره دونالد ترامپ است؛ چراکه در آن زمان بسترهای حداقلی برای شکل‌گیری توافق وجود داشت که به دلیل اتفاقاتی مانند ترور سردار سلیمانی عملا از دستور کار تهران خارج شده بود، اما اکنون به‌عکس، ایران سعی در ادامه مذاکرات هسته‌ای دارد و این طرف‌های غربی هستند که رغبتی به انجام مذاکرات برای احیای توافق سال ۲۰۱۵ ندارند. در همین راستا شماری از دیپلمات‌های پیشین آمریکایی هم در سالروز خروج دولت دونالد ترامپ از توافق هسته‌ای (برجام) طی نامه‌ای به رئیس‌جمهور ایالات متحده از او خواستند دیپلماسی با ایران را متوقف کرده و «کارزار فشار حداکثری» را دوباره علیه آن به کار ببندد. به گزارش شبکه فاکس‌نیوز، ده‌ها دیپلمات پیشین آمریکایی در این نامه به جو بایدن خواستار متوقف‌کردن دیپلماسی با ایران شدند. در نامه مذکور مطرح شده است که راهبرد فعلی بایدن مبنی بر کاهش تحریم‌ها در قبال رفتار خوب، خطرناک است؛ چراکه «به‌جای متکی‌بودن بر اهرم فشار آمریکا، بیشتر متکی بر اولویت‌های ایران است». این دیپلمات‌های پیشین در نامه خود آورده‌اند: «امروز ما از شما و تیمتان می‌خواهیم پیشنهادها و رویکرد دیپلماتیک در قبال ایران را متوقف کرده و در عوض، کارزار فشار حداکثری را دوباره به کار ببندید که مؤثرترین سیاست برای حفاظت از ملت آمریکا، ملت ایران و دیگر ملل سراسر جهان در قبال ایران است».

همه‌چیز از پنجم دی‌ماه ۹۶ شروع شد

به موازات نامه‌نگاری دیپلمات‌های پیشین آمریکایی، در داخل کشور هم شاهد برخی واکنش‌ها در سالگرد خروج ترامپ از برجام بودیم. محمدجواد ظریف، وزیر امور خارجه سابق ایران روز دوشنبه در توییتی دراین‌باره نوشت: «آمریکا برای خوش‌خدمتی به منافع اسرائیل از برجام خارج شد و یک دستاورد بی‌مانند دیپلماتیک را از بین برد. آمریکا بدون هیچ جایگزینی، منافع همه، به‌ویژه آمریکایی‌ها و ایرانی‌ها را به خطر انداخت». ظریف این اقدام آمریکا را «نتیجه دست‌کشیدن از فرصت‌های مشترک در راستای توهمات مجموع-صفر» تلقی کرد.

دیروز سه‌شنبه نیز علی باقری‌کنی، معاون سیاسی وزیر امور خارجه ایران و مذاکره‌کننده ارشد ایران در مذاکرات وین، در سالروز خروج دولت آمریکا از توافق هسته‌ای (برجام) در صفحه توییترش نوشت: «یک یادآوری مهم: پنج سال پیش، آمریکا با خروج غیرقانونی از برجام ضربه بزرگی به «حاکمیت قانون در سطح بین‌المللی» وارد کرد. آمریکا از آن موقع نتوانسته است این اقدام غیرقانونی را جبران کند. اقدامات جبرانی قانونی ایران ادامه خواهد داشت». باقری‌کنی در ادامه نوشت: «اجرای کامل برجام (با لغو مؤثر تحریم‌ها در مرکزیت آن) می‌تواند از سرگرفته شود، به شرط اینکه کشوری که بدعهدی کرده است (اتحادیه اروپا و ترویکای اروپا) اراده سیاسی باورپذیری برای آن نشان دهند. هیچ فرصتی همیشگی نیست».

اما داوود سعیدی این توییت علی باقری‌کنی را اقدام سیاسی و دیپلماتیک تلقی می‌کند؛ چراکه این کارشناس در گفت‌وگوی خود با «شرق»، ادعاهای معاون سیاسی وزارت امور خارجه و مذاکره‌کننده ارشد ایرانی را از دو منظر زیر سؤال می‌برد؛ اول آنکه به زعم سعیدی دیگر چیزی به نام «برجام» وجود ندارد که طرفین بخواهند روی آن مذاکره‌ای انجام دهند تا آن را احیا کنند و درثانی به گفته این تحلیلگر حوزه بین‌الملل اکنون تهران بیش از دیگر بازیگران به این واقعیت اشراف دارد که فرصت چندانی برای مذاکره نمانده است؛ چراکه معتقد است ایران قبل‌تر فرصت‌ها را با ارزیابی‌های غلط در دوره رئیسی و با عملکرد کسانی همچون باقری‌کنی و مرندی، یکی پس از دیگری سوزانده است. با این تعبیر، سعیدی اذعان دارد اینکه علی باقری ادعا می‌کند «هیچ فرصتی همیشگی نیست»، اتفاقا به معنای آن است که «فرصتی وجود ندارد».

این مفسر حوزه سیاست خارجی به توییت محمدجواد ظریف هم انتقاد جدی دارد و گفته‌های وزیر امور خارجه سابق کشور را در این توییت بازگوکننده همه وقایع و اتفاقاتی که منجر به خروج دونالد ترامپ از برجام شد، نمی‌داند؛ چراکه از دید داوود سعیدی ارزیابی غلط دولت سابق ایالات متحده آمریکا و تحریکات اسرائیل و همچنین کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس که در آن زمان زاویه جدی با تهران داشتند، تنها بخشی از پازل اقدام ترامپ برای خروج از توافق هسته‌ای سال ۲۰۱۵ بود. در ادامه این کارشناس با تغییر زاویه دید خود، موتور محرکه این اتفاق (خروج ترامپ از برجام) را تحولات داخلی در دی‌ماه سال ۹۶ ارزیابی می‌کند که به گفته حسن روحانی، «نباید آدرس غلط بدهیم؛ چراکه همه چیز از پنجم دی‌ماه ۹۶ شروع شد».

با ذکر این جمله از رئیس‌جمهور سابق، تحلیلگر مسائل بین‌الملل اعتقاد دارد به‌واسطه تنش‌آفرینی جریان‌های مخالف دولت دوازدهم، اعتراضات گسترده‌ای در سراسر ایران شکل گرفت که این ارزیابی را در کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس، اسرائیل و به‌خصوص آمریکا به وجود آورد که شکافی جدی بین سیستم و ملت شکل گرفته است و سیاست خارجی ایران نیز از پشتوانه مردمی برخوردار نیست. به همین دلیل سعیدی تأکید دارد که ترامپ این تصور را پیدا کرد که با خروج از برجام می‌تواند در سایه ضعف دیپلماتیک ایران، توافقی طولانی‌مدت‌تر و جامع‌تر را با تهران به نتیجه برساند.

نوبت دوم

سیستم مدیریت یکپارچه / کد ۱۰/۴۳/۰۲ف
آگهی مناقصه عمومی یک مرحله ای (شماره ۱۹/ی ج/۱۴۰۲)

وزارت نیرو
شرکت آب و فاضلاب استان البرز (سهامی خاص)

شرکت آب و فاضلاب استان البرز در نظر دارد ۳۰۸۳۵ عدد شیرآلات برنجی و برنزی (شامل شیرآلات فلکه برنجی، شبکه برنزی ساده، خودکار برنزی مغزی دار و قطع و وصل برنزی) از محل اعتبارات داخلی شرکت (جاری و تبصره ۳) را از طریق مناقصه عمومی از مناقصه گران واجد شرایط خریداری نماید.
کلیه مراحل برگزاری مناقصه از دریافت اسناد مناقصه تا ارائه پیشنهاد مناقصه گران و بازگشایی پاکت ها از طریق درگاه سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) به آدرس www.setadiran.ir با شماره فراخوان ۲۰۰۲۰۰۵۱۸۶۰۰۰۰۱۹ انجام خواهد شد و لازم است مناقصه گران در صورت عدم عضویت قبلی، مراحل ثبت نام در سایت مذکور و دریافت گواهی امضای الکترونیکی را جهت شرکت در مناقصه محقق سازند.
مدت تحویل کالا: از تاریخ انعقاد قرارداد به مدت ۵ (پنج) ماه تعیین می گردد.
مبلغ و نوع تضمین شرکت در مناقصه ۴,۴۳۵,۶۲۰,۰۰۰ ریال به صورت واریز نقدی به حساب شرکت، چک بانکی تضمین شده، ضمانتنامه بانکی و یا مطالبات قطعی تائید و بلوکه شده نزد شرکت آب و فاضلاب استان البرز میباشد.
مهلت تحویل اسناد مناقصه: مناقصه‌گران علاوه بر بارگذاری فایلهای PDFتا ساعت ۱۰ روز یکشنبه مورخ ۱۴۰۲/۰۳/۰۷، موظف به ارائه تضمین شرکت در مناقصه در پاکت لاک و مهر شده تا ساعت ۱۱ همان روز به دبیرخانه شرکت آب و فاضلاب استان البرز می باشند.
تاریخ بازگشایی پاکات: ساعت ۱۴:۳۰ روز یکشنبه مورخ ۱۴۰۲/۰۳/۰۷ خواهد بود.
نحوه دریافت اسناد مناقصه: داوطلبان می توانند به منظور دریافت اسناد مناقصه از تاریخ ۱۴۰۲/۰۲/۱۹ تا ساعت ۱۹ روز شنبه مورخ ۱۴۰۲/۰۲/۲۳ از طریق سامانه ستاد به آدرس www.setadiran.ir اقدام نمایند. تلفن تماس : ۳۲۱۱۷۱۴۹ - ۰۲۶
سایر اطلاعات و جزئیات در اسناد مناقصه مندرج است.
جهت کسب اطلاعات بیشتر به سایت پایگاه ملی اطلاع رسانی مناقصات به آدرس (iets.mporg.ir) مراجعه نمایید./۱۶۲۷۲

شرکت آب و فاضلاب استان البرز «سهامی خاص»

۱۵۵۶

آگهی مزایده

شهرداری قزوین

سازمان مدیریت آرامستانهای شهرداری قزوین در نظر دارد نسبت به فروش ضایعات از طریق مزایده عمومی یک نوبته از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت اقدام نماید. کلیه مراحل برگزاری مزایده از دریافت اسناد تا ارائه پیشنهاد و بازگشایی پاکات از طریق درگاه سامانه تدارکات الکترونیکی دولت(ستاد) به آدرس www.setadiran.ir انجام خواهد شد و لازم است متقاضیان در صورت عدم عضویت قبلی، مراحل ثبت نام در سایت مذکور و دریافت گواهی امضای الکترونیکی را جهت شرکت در مزایده محقق سازند.
تاریخ انتشار مزایده در سامانه ۱۴۰۲/۰۲/۲۰ می باشد.
مهلت زمانی دریافت اسناد مزایده از سایت: از ساعت ۸ صبح روز چهارشنبه مورخ ۱۴۰۲/۰۲/۲۰ تا ساعت ۱۹ روز شنبه مورخ ۱۴۰۲/۰۳/۰۶
مهلت زمانی ارائه پیشنهاد: از ساعت ۸ روزچهار شنبه مورخ ۱۴۰۲/۰۲/۲۰ تا ساعت ۱۳ روز پنج شنبه مورخ ۱۴۰۲/۰۳/۱۸
مبلغ تضمین شرکت در مزایده: به میزان ده درصد کل مبلغ برآورد اولیه به (عدد ۱۸۷/۵۰۰/۰۰۰ ریال) را به حساب سازمان به شماره ۱۰۸۳۵۵۸۸۹۰۰۳ و یا به شماره شبا IR ۵۱۰۱۷۰۰۰۰۰۰۰۱۰۸۳۵۵۸۸۹۰۰۳ نزد بانک ملی شعبه منتظری به نام سازمان آرامستانهای شهرداری قزوین واریز و در پاکت (الف) قرار دهند و به دستگاه مزایده گزار تسلیم شود و فایل آن دربخش مربوط به سامانه ستاد بارگذاری گردد.
اطلاعات تماس دستگاه مزایده گزار جهت دریافت اطلاعات بیشتر:
تلفن:۴-۳۳۵۶۵۶۸۱
نشانی:کمربندی جمهوری اسلامی، چهارراه نوبیلی ، بلوار رضوان ،کیلومتر ۳ جاده فارسیان، سازمان مدیریت آرامستانهای شهرداری قزوین
هزینه آگهی و کارشناسی بر عهده برنده مزایده می باشد.
شناسه آگهی : ۱۴۹۳۹۹۲

روابط عمومی سازمان مدیریت آرامستان های شهرداری قزوین

۱۵۶۸